

دو نیمه آسیب‌ها

بررسی عوامل مستعدکننده
و بازدارنده بروز آسیب‌های اجتماعی
در دانش‌آموزان

چکیده

به دلیل تغییرات فناورانه، فرهنگی و اجتماعی سریع و پرشتاب جوامع امروز، دوران نوجوانی برای تعدادی از نوجوانان با بروز مشکلات فراوان جسمی، روانی و اجتماعی همراه است و پایه بسیاری از رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن در این دوره در آنان گذاشته می‌شود. تحقیق حاضر با هدف تعیین عوامل مستعدکننده و بازدارنده بروز آسیب‌های اجتماعی در دانش‌آموزان استان سمنان انجام شد تا اطلاعات به‌دست آمده، در برنامه‌ریزی‌های مسئولان مورد استفاده قرار گیرد. این تحقیق یک مطالعه کیفی به روش دلفی است. جامعه آماری شامل کلیه مشاوران روان‌شناسی در مناطق ۱۰ گانه آموزش و پرورش استان سمنان و حجم نمونه، ۱۲۰ نفر (کل جامعه آماری) بوده است. از دیدگاه مشاوران مدارس، علل مستعدکننده بروز آسیب‌های اجتماعی در دانش‌آموزان، به ترتیب اولویت شامل: ویژگی‌های خانوادگی (نظیر خانواده‌های ازهم گسسته، شکاف فکری و عاطفی بین والدین و فرزندان، ضعف اخلاقی و بی‌بندوباری در خانواده‌ها)، دوستان ناباب و فشار گروه هم‌سالان، نداشتن آگاهی نوجوانان در زمینه مهارت‌های زندگی و... بوده است، هم‌چنین از دید این افراد، راهکارهای پیش‌گیری در این زمینه، به ترتیب اولویت شامل: ایجاد و برقراری ارتباطات مناسب و صمیمانه‌تر بین والدین و فرزندان (نظیر درک بیشتر فرزندان، احترام به شخصیت و عقاید آنان و دادن آزادی منطقی به آنان)، آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به والدین (کلاس‌های آموزش خانواده، آموزش روش‌های صحیح و علمی تربیت فرزندان)، توجه به تربیت دینی و افزایش ایمان و دین‌باوری می‌باشد

مدرس، فوق لیسانس آموزش پرستاری، دانشکده پرستاری و تیراژشکی سمنان

دکتر سید موسی طباطبائی
مدرس دکتری روان‌شناسی تربیتی آموزش و پرورش استان سمنان

آیه آتش‌نفس



در نوجوانان و... است. از دیدگاه نمونه‌های پژوهش، نحوه ارتباطات خانوادگی، برخورداری از مهارت‌های زندگی و تربیت دینی، سه عامل اساسی در ارتقای سلامت روانی- اجتماعی نوجوانان و پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی در آنان است. اقدامات پیش‌گیری‌کننده بایستی، در مراحل زود هنگام شروع و شامل برنامه‌های پی‌گیر، همه‌جانبه و جامع بوده و بر تأثیر خانواده و هم‌سالان بر رفتارهای نوجوان توجه و تأکید داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌های اجتماعی، روش دلفی، رفتارهای پر خطر.

مقدمه

جوامع در حال گذار، به دلیل تغییرات متنوع و متعدد، معمولاً با تضادهای مختلف در ساختارها و زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مواجه‌اند. در چنین جوامعی، افراد به‌سختی می‌توانند خود را با محیط سازگار و با تغییرات و دگرگونی‌های تازه و سریع همراه کنند. بنابراین، از این حیث دچار ناهنجاری و کشمکش‌های مختلف اجتماعی، از خودبیگانگی و در سطحی وسیع‌تر، بی‌سازمانی و ازهم‌گسیختگی اجتماعی می‌شوند. این بی‌نظمی‌ها و بی‌سازمانی‌ها به عدم تعادل و بی‌ثباتی اجتماعی و افزایش بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی منجر می‌شود. ایران از یک طرف در حال تجدید حیات طایفه اسلامی است و از طرفی به‌عنوان یک کشور در حال توسعه و در حال گذار از مرحله سنتی به مدرنیسم، از این قاعده مستثنا نیست و در نتیجه سرعت تغییرات در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی متنوعی بر جامعه ایران وارد شده است، به‌طوری که طبق گزارش‌های سازمان بهزیستی کشور،

طی سال‌های اخیر، آسیب‌های اجتماعی در کشور ما به‌طور متوسط هر سال، ۱۵ درصد رشد داشته‌اند (ستاد مبارزه با مواد مخدر؛ ۱۳۸۷).

به‌عبارتی، آسیب‌های اجتماعی مشکلات و پدیده‌هایی هستند که موجب سقوط ارزش‌های اخلاقی در شعاع گسترده در جامعه می‌شوند، هنجارهای قانونی و عرفی را زیر پا می‌گذارند و مشکلات و اختلالات دیگری را در خود فرد یا اطرافیان موجب می‌شوند. آسیب‌های اجتماعی می‌توانند بحران‌های بزرگ اقتصادی و اجتماعی در پی داشته باشند و حتی در مواردی امنیت یک کشور را به خطر اندازند (گلزاری، ۱۳۸۷). افزایش آسیب‌های اجتماعی در یک جامعه نشانه بحران است و پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه به شناخت علمی ویژگی‌ها و قانونمندی‌های حاکم بر تحول آسیب‌ها در جامعه و به‌کارگیری یافته‌های علمی در فرایند برنامه‌ریزی اجتماعی موکول می‌شود. میزان موفقیت هر کشور در امر پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی معرف کارایی نظام اجتماعی غالب بر آن جامعه است (گوهرمنش، ۱۳۸۷).

در این میان، نوجوانان از گروه‌های بسیار آسیب‌پذیر در زمینه ابتلا به آسیب‌های اجتماعی هستند. طبق آمار، یک‌پنجم از جمعیت جهان را نوجوانان تشکیل می‌دهند؛ که ۸۵ درصد از این گروه سنی در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. ارج نهادن و توجه به سلامت جسمی، روانی و اجتماعی نوجوانان، سرمایه‌گذاری برای آینده هر کشور است؛ زیرا نوجوانان سالم و تندرست فرصت بهتری برای تبدیل شدن به بزرگسالانی سالم، مسئول و بهره‌ور دارند (گزارش سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۰۳)، نوجوانی یکی از بحرانی‌ترین

جوامع در حال گذار، به دلیل تغییرات متنوع و متعدد، معمولاً با تضادهای مختلف در ساختارها و زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مواجه‌اند

دوره‌های زندگی محسوب می‌شود و کشور ما با داشتن سرمایه‌های عظیمی از نوجوانان، نیازمند برنامه‌ریزی‌های دقیق در زمینه رشد و سلامت این گروه سنی است (پرویزی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۴۵).

البته قوانین و طرح و برنامه‌های مربوط به مسائل بهداشتی و ارتقای سلامتی در نوجوانان و جوانان به توجه فوری نیاز دارد؛ زیرا منابع مادی و معنوی قابل توجهی برای آموزش و تربیت آنان سرمایه‌گذاری می‌شود و بسیاری از الگوهای رفتاری در بزرگسالی در خلال این دوران شروع و تثبیت می‌گردند. همچنین، آنان در آینده سرمایه‌ها و قدرت‌های تجاری و اقتصادی جامعه خواهند بود؛ بنابراین، توجه به نیازهای بهداشتی، رفتارهای پرخطر و انحرافات و آسیب‌های اجتماعی نوجوانان از وظایف اساسی دست‌اندرکاران امر بهداشت و درمان و آموزش و پرورش است. عدم توجه به این امر می‌تواند به بروز بیماری‌ها و مشکلات عدیده در آنان منجر شود و کاهش قدرت بهره‌وری و به‌در رفتن سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی برای این گروه عظیم را به‌دنبال داشته باشد (دفتر سازمان بهداشت جهانی در منطقه غرب اقیانوس آرام، ۲۰۰۳).

**افراد به رفتارهای پرخطری
 نظیر کشیدن سیگار، مصرف الکل و
 مواد مخدر اقدام می‌کنند و انگیزه
 آن‌ها برای این اقدام، حس
 کنجکاوی و تجربه چیزهای تازه،
 فشار گروه همسالان، کسب
 احساس بزرگی و.....**

در همین رابطه، در تحقیقات متعدد در زمینه بزهکاری، انحرافات و آسیب‌های اجتماعی در دانش‌آموزان، برخی از آن‌ها دارای مشکلات اخلاقی نظیر ارتباط با جنس مخالف، داشتن آرایش و پوشش نامناسب و غیرمعارف و مشکلات رفتاری گوناگونی نظیر پرخاشگری و درگیری فیزیکی با گروه همسالان، فرار از مدرسه و یا منزل، تخریب اموال مدرسه و تقلب در امتحانات تشخیص داده شده‌اند (رحمتی و باپیری، ۱۳۷۹).

این افراد به رفتارهای پرخطری نظیر کشیدن سیگار، مصرف الکل و مواد مخدر اقدام می‌کنند و انگیزه آن‌ها برای این اقدام، حس کنجکاوی و تجربه چیزهای تازه، فشار گروه همسالان، کسب احساس بزرگی و اعتماد به نفس بیشتر، جبران ضعف‌ها و شکست‌های تحصیلی، جلب توجه دیگران، داشتن الگوهای غلط و نامناسب در خانواده و مدرسه، کمبودهای روانی و... است (آدریان و مک گاورن، ۲۰۰۴: ۲۰۲۳؛ و کلی‌دی و رولینگز، ۲۰۰۵: ۳).

بنابراین، با توجه به تأثیر بسیار مخرب آسیب‌های اجتماعی بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی نوجوانان و آسیب‌پذیری بیشتر آنان و این‌که متأسفانه بسیاری از رفتارهای پرخطر از این دوران

شروع و تثبیت می‌شود و منجر به بروز آسیب‌های اجتماعی می‌گردد، شناسایی عوامل مستعدکننده و بازدارنده بروز آسیب‌های اجتماعی در این گروه سنی اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین، پژوهشگران بر آن شده‌اند تا با انجام دادن یک تحقیق کیفی (به روش دلفی) از دیدگاه مشاوران روان‌شناسی در مدارس، عوامل مستعدکننده بروز آسیب‌های اجتماعی در دانش‌آموزان و راه‌های پیش‌گیری از آن‌ها را شناسایی کنند.

مواد و روش‌ها

این تحقیق یک مطالعه کیفی به روش دلفی^۱ است که با هدف تعیین عوامل مستعدکننده و بازدارنده بروز آسیب‌های اجتماعی در دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی استان سمنان از دیدگاه مشاوران مدارس انجام گرفته است. بررسی بر مبنای ارسال یک پرسش‌نامه اولیه و جمع‌بندی نظریات مشاوران مدارس استان سمنان در این زمینه و ارسال پرسش‌نامه دوم که با هدف آگاهی نمونه‌ها از نظریات یکدیگر و ارائه نظریات تکمیلی خود بوده اجرا شده است. کل تعداد مشاوران مدارس دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی (۱۲۰ نفر) به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شد.

برای اجرای پژوهش، با هماهنگی‌ای که با مسئول واحد مشاوره در هر منطقه آموزش و پرورش استان سمنان صورت گرفت، پرسش‌نامه‌های سری اول برای مشاوران مدارس دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی در هر منطقه آموزش و پرورش فرستاده شد، در این بخش از مطالعه، پرسش‌نامه‌ها پس از تکمیل، درون یک پاکت که از قبل دارای آدرس صندوق پستی پژوهشگر و مهر جواب

قبول اداره پست بود، گذاشته شد و ارسال گردید. پس از دریافت پرسش‌نامه‌ها، نظریات مشاوران در این زمینه مطالعه و دسته‌بندی شد. سپس، براساس نظریات آنان، پرسش‌نامه دوم برای این افراد ارسال شد تا ضمن آگاهی مشاوران از نظرات مختلف یکدیگر و اولویت‌بندی عوامل ذکر شده توسط آنان (در زمینه بروز آسیب‌های اجتماعی و پیش‌گیری از آن‌ها)، نظریات تکمیلی آنان نیز جمع‌آوری و به همان روش توسط پژوهشگران دریافت شود.

در مورد تجزیه و تحلیل داده‌ها شایان ذکر است که پس از جمع‌آوری اولیه نظریات مشاوران مدارس، اطلاعات به‌دست آمده در زمینه عوامل مستعدکننده بروز آسیب‌های اجتماعی و راهکارهای پیش‌گیری از آن در ابعاد فردی، خانوادگی، آموزشی، اجتماعی، دسته‌بندی شدند. سپس، عوامل مستعدکننده بروز آسیب‌های اجتماعی در دانش‌آموزان و راهکارهای پیش‌گیری از آن‌ها که در پرسش‌نامه دوم مطرح شده بودند، توسط مشاوران مدارس اولویت‌بندی و گزارش شدند و در رابطه با سؤالات مطرح شده در پرسش‌نامه دوم نیز، نظر بیشتر نمونه‌های پژوهش به‌عنوان پاسخ نهایی به سؤال گزارش گردید.

یافته‌ها

با توجه به نظریات و دیدگاه‌های اولویت‌بندی‌شده از سوی مشاوران در مرحله دوم تحقیق به روش دلفی، **عوامل مستعدکننده و بازدارنده بروز آسیب‌های اجتماعی** در دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی استان سمنان، به ترتیب اولویت عبارت‌اند از:

عوامل مستعدکننده بروز آسیب‌های اجتماعی

۱. ویژگی‌های خانوادگی (نظیر خانواده‌های ازهم گسیخته شکاف فکری و عاطفی بین والدین و فرزندان، ضعف اخلاقی و بی‌بند و باری در خانواده‌ها)
۲. دوستان ناباب و فشار گروه همسالان
۳. نداشتن آگاهی نوجوانان در زمینه مهارت‌های زندگی
۴. برخوردهای نامناسب والدین
۵. ویژگی‌های سنی و قرار داشتن در سنین بلوغ (نظیر خودمحوری، استقلال‌طلبی، سرکشی در مقابل بزرگ‌ترها، اختلال در هویت فردی)
۶. عدم آگاهی والدین از اصول تعلیم و تربیت و مهارت‌های زندگی
۷. نبود فرهنگ مناسب برای استفاده از فناوری‌های امروز نظیر اینترنت و ماهواره
۸. در دسترس بودن مواد مخدر، سیگار، CDهای غیرمجاز و...
۹. مشکلات مالی و فقر اقتصادی
۱۰. نابه‌سامانی‌های اجتماعی (نظیر بی‌نظمی‌های درون جامعه و محیط نامناسب اجتماعی)
۱۱. درآمدهای کاذب و عدم تعادل اقتصادی (به‌عبارتی، فاصله طبقاتی زیاد در جامعه)
۱۲. تأثیرات منفی برنامه‌ها و محتوای نامناسب در رسانه‌های جمعی که سبب گرایش نوجوانان و جوانان به رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی می‌شود.
۱۳. برنامه‌ریزی‌های آموزشی نامناسب و غیر اصولی برای دانش‌آموزان در مدرسه

عوامل بازدارنده بروز آسیب‌های اجتماعی

۱. برقراری ارتباطات مناسب و صمیمانه‌تر بین والدین و فرزندان (نظیر درک بیشتر فرزندان، احترام گذاشتن به شخصیت و عقاید آنان و دادن آزادی منطقی به آن‌ها)
۲. آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به والدین (کلاس‌های آموزش خانواده، آموزش روش‌های صحیح و علمی تربیت فرزند و...)
۳. توجه به تربیت دینی و افزایش ایمان و دین‌باوری در نوجوانان
۴. بالا بردن عزت‌نفس در نوجوانان
۵. آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به نوجوانان (آموزش مهارت‌های زندگی، آموزش رفتارهای پرخطر و عواقب آن)
۶. همگام شدن والدین و فرزندان با تغییرات اجتماعی و فناوریانه، که از ایجاد شکاف بین دو نسل پیش‌گیری می‌کند.
۷. داشتن دوستان سالم و قرار گرفتن در گروه‌های سالم اجتماعی
۸. برنامه‌ریزی برای پر کردن صحیح اوقات فراغت نوجوانان و تشویق آنان به داشتن فعالیت‌های سالم و خلاق و ورزش کردن
۹. استفاده از مشاوران آگاه و با تجربه (به‌عبارتی، توجه بیشتر به امر مشاوره در مشاوره‌ها)
۱۰. افزایش آگاهی اولیای مدرسه از ویژگی‌های دوران نوجوانی و برخورد صحیح و اصولی با دانش‌آموزان
۱۱. کنترل و نظارت اجتماعی (نظیر کنترل مکان‌های تفریحی و اجرای طرح‌های ضربتی برای جلوگیری از ورود و پخش مواد مخدر در کشور)
۱۲. تعیین عوامل زمینه‌ساز فرهنگی در رابطه با بروز آسیب‌های اجتماعی در نوجوانان و جوانان
۱۳. ایجاد شبکه حمایت‌های اجتماعی (نظیر منابع یاری‌رسان، حمایت از زندانیان آزاد شده، ایجاد فضاهای سالم تفریحی و سرگرم‌کننده و مقابله با فقر و بیکاری)
۱۴. مقابله با عادی بودن رفتارهای غلط و پرخطر نظیر مصرف مواد مخدر، بدحجابی، داشتن ارتباط با جنس و مخالف و...
۱۵. کنترل و نظارت بر وسایل ارتباط جمعی
۱۶. جلوگیری از تبلیغات گسترده مؤسسات تولیدکننده انواع لباس‌های نامناسب، سیگار و...
۱۷. طرح موضوعات تحقیقی در زمینه رفتارهای پرخطر و عوارض و عواقب آن به دانش‌آموزان و دادن جایزه به بهترین طرح‌ها

پژوهش راهکار مناسب برای افزایش توان رویارویی با مشکلات را در **آموزش مهارت‌های زندگی به نوجوان** عنوان کردند.

سوال (۲): «آیا والدین بیشتر نیاز دارند با فناوری‌ها و تغییرات اجتماعی امروز همگام شوند یا نوجوانان؟ حدود نیمی از نمونه‌های پژوهش اعتقاد داشتند که هر دو گروه، یعنی هم والدین و هم نوجوانان همگام با یکدیگر، به تطابق با فناوری‌ها و تغییرات اجتماعی در جامعه امروز نیاز دارند و بنابر وسع و توان و تا جایی که این هماهنگی با فناوری‌ها و تغییرات اجتماعی، با شرع و عرف تضاد نداشته باشد، بایستی این تطابق صورت پذیرد. نیمی دیگر فقط والدین را نیازمند تطابق با این موضوع می‌دانستند. از نظر این گروه از مشاوران، نوجوانان خود در این دگرگونی‌ها سهیم و با دنیای متمدن و جدید امروز آشنا هستند اما این تغییرات در اولیای آن‌ها به‌کندی صورت می‌گیرد و والدین باید خود را به نوجوانان برسانند تا از ایجاد شکاف میان نسل‌ها جلوگیری شود.

سوال (۳): «امید دادن به فرزندان خود در دوران نوجوانی برای انتخاب همسر راهکاری مفید است. نوجوان در این ایام، می‌تواند همسر خود را انتخاب کند و مدت ۲ تا ۳ سال این آشنایی برقرار باشد تا او سرگرم این آشنایی باشد و به چیز دیگری فکر نکند.» اکثر نمونه‌های پژوهش با این نظر موافق نبودند و این روش را راهکاری مناسب نمی‌دانستند. به دلایل زیر مشاوران مدارس، با این نظر مخالف بودند:

● با توجه به زیرساخت‌های فکری در والدین و مسائل فرهنگی جامعه، امکان چنین موضوعی در شرایط فعلی وجود ندارد و هنوز فرهنگ خانواده و جامعه

x براساس یافته‌های پرسش‌نامه اول، دیدگاه‌هایی از سوی برخی مشاوران مطرح گردید که به نظر پژوهشگران، برای کسب اتفاق نظر مشاوران، می‌بایست بررسی‌های بیشتری صورت گیرد. بنابراین، سؤالات زیر در پرسش‌نامه مرحله دوم روش دلفی مطرح شد که پاسخ آن‌ها به شرح زیر است.

سوال (۱): «ایجاد بحران‌های کاذب در خانواده برای افزایش آستانه تحمل و بردباری و سطح توانایی فرزندان برای رویارویی با مشکلات آتی زندگی، راهکاری مناسب است.» بیش‌تر نمونه‌های پژوهش با این نظر موافق نبودند و ایجاد بحران‌های کاذب در خانواده برای افزایش آستانه تحمل و بردباری و سطح توانایی فرزندان برای رویارویی با مشکلات آتی زندگی را راهکاری مناسب نمی‌دانستند. به دلایل زیر مشاوران مدارس با این نظر مخالف بودند:

● اگر فقط در خانواده بحران ایجاد کنیم ولی آموزش راهکارهای مقابله با بحران را به نوجوان نداده باشیم، خود این بحران آسیب‌زاست. آسیب‌زایی این راهکار ممکن است زمانی بیش‌تر باشد که نوجوان در محیط خانوادگی و اجتماعی نامساعدی زندگی می‌کند یا افت تحصیلی دارد.

● این راهکار می‌تواند در خانواده تنش و آشفتگی ایجاد کند و آثار سوئی داشته باشد. نیز ممکن است نتیجه عکس دهد (نظیر ایجاد تنش عاطفی و بلوغ زودرس در نوجوان و کاهش عزت‌نفس).

● به دلیل وجود بحران بلوغ در این سنین، اگر خانواده نیز بخواهد بحران کاذب ایجاد کند، سطح اضطراب نوجوان افزایش می‌یابد. هم‌چنین، در زندگی‌های امروز به اندازه کافی بحران وجود دارد و نیازی به ایجاد بحران کاذب در خانواده نیست.

در این زمینه، برخی از نمونه‌های

روابط با جنس مخالف در سنین نوجوانی، خودیکی از معضلات مهم این دوره است؛ زیرا نوجوانان در این دوره از لحاظ عقلی و عاطفی به پختگی کامل نرسیده‌اند و ممکن است این ارتباطات، آن‌ها را از امور مهم زندگی بازدارد

پذیرای چنین ارتباطی نیست؛ زیرا فرهنگ ما با کشورهای غربی تفاوت دارد.

● روابط با جنس مخالف در سنین نوجوانی، خود یکی از معضلات مهم این دوره است؛ زیرا نوجوانان در این دوره از لحاظ عقلی و عاطفی به پختگی کامل نرسیده‌اند و ممکن است این ارتباطات، آن‌ها را از امور مهم زندگی بازدارد و باعث مشغولیت ذهنی و افت تحصیلی آن‌ها شود.

● این دوران، دوره خوبی برای انتخاب همسر نیست و با توجه به شرایط سنی، تجارب، قدرت تفکر و آینده‌نگری در نوجوانان، آنان نمی‌توانند هدف از ازدواج و زندگی مشترک و مسئولیت‌های آن را در این سنین به‌خوبی درک کنند. در نتیجه طرف مقابل را با احساسات انتخاب می‌کنند و عشق‌های آتشین در این دوران زیاد است؛ بنابراین، انتخاب همسر باید بعد از دوران بلوغ و بحران‌های ناشی از آن باشد تا در آینده، فرد دچار پشیمانی نشود.

● در صورت وجود رابطه با جنس مخالف در این سنین (حتی با نیت

آموزش به نوجوانان در زمینه
پیش‌گیری از رفتارهای پرخطر و
آسیب‌های اجتماعی باید به
روش معقولانه و باتدبیر و
برنامه‌ریزی باشد و حس کنجکاوی
آنان به‌طور صحیح
مدیریت شود

انتخاب همسر)، آیا تضمینی برای سالم‌ماندن این رابطه وجود دارد؟

سؤال (۴): «به نظر شما، برنامه‌ها و محتوای موجود در رسانه‌های جمعی ایران (مطبوعات، صداوسیما، سینما و...) تاکنون در جهت کمک به کنترل و پیش‌گیری از رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی بوده یا بیش‌تر به آن دامن زده است؟»

اکثر نمونه‌های پژوهش، برنامه‌ها و محتوای موجود در رسانه‌های ایران را تا حدودی مثبت ارزیابی کرده بودند. در این رابطه آنان اعتقاد داشتند که

- در تهیه بعضی از فیلم‌ها و سریال‌ها در صداوسیما، دقت کافی نمی‌شود و در زمینه مسئله حجاب، ارتباط دختر و پسر از نظر فرهنگی و اعتقادی، اصول رعایت نمی‌گردد و این، نوعی تبلیغ برای این مسائل است، هم‌چنین، مواردی نظیر تجملات، زیبایی‌گرایی و رفاه‌طلبی تبلیغ شده است.
- در سال‌های اخیر در جهت پیش‌گیری از رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی اطلاع‌رسانی شده است ولی در برخی موارد، مشاهده شده که حس کنجکاوی نوجوانان را برانگیخته است.
- برنامه‌هایی از نوع فیلم‌های مستند و



آموزشی، جهت اطلاع‌رسانی و کنترل این معضلات مفید بوده‌اند ولی فیلم‌های سینمایی و سریال‌ها متأسفانه بیش‌تر در جهت سوق‌دادن جوانان به سوی رفتارهای پرخطر گام برداشته‌اند.

- محتوای برنامه‌های صداوسیما با سینما متفاوت است (از نظر محتوا، نوع پوشش ظاهری بازیگران و...)، فیلم‌هایی که در سینما اکران می‌شوند، اغلب به بروز آسیب‌های اجتماعی در جامعه دامن می‌زنند.

- البته تعداد اندکی از نمونه‌های پژوهش نیز معتقد بودند که برنامه‌های صداوسیما در جهت پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی در جامعه، به تدریج در حال پیشرفت است و این رسانه نیز به ابزارهایی نظیر ماهواره و اینترنت خوب عمل کرده است.

سؤال (۵): «آموزش به‌طور مستقیم درباره رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی، حس کنجکاوی نوجوان را بیش‌تر می‌انگیزد و ممکن است نتیجه عکس داشته باشد ولی خانواده را باید آموزش داد تا به نحو اصولی و صحیح، نوجوانش را کنترل کند» اکثر نمونه‌های پژوهش معتقد بودند که آموزش به هر دو گروه، یعنی هم نوجوان و هم والدین، همگام با هم، مؤثرتر و اثربخش‌تر خواهد بود. به دلایل زیر مشاوران با آموزش همگام نوجوان و والدین در زمینه پیش‌گیری و کنترل رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی موافق بودند:

- در صورت عدم آموزش به نوجوان، در صورت مواجهه با موقعیت‌های آسیب‌زا، وی نمی‌داند که با این معضلات چگونه برخورد کند.

- ممکن است نوجوانان در جمع‌های دوستانه خود در این موارد با هم صحبت کنند و اطلاعات غلطی را به یک‌دیگر

انتقال دهند یا از سایر منابع (نظیر برخی از سایت‌های اینترنتی) اطلاعات ناکامل و نامناسبی را دریافت کنند. پس بهتر است آنان نیز همگام با خانواده آموزش ببینند.

- نوجوانان در این دوره سنی، حس کنجکاوی و سؤالات فراوانی در درون خود دارند و به دنبال پاسخ آن‌ها هستند. حال اگر این آموزش‌ها از طرف فردی آگاه و دل‌سوز انجام شود، نوجوان دیگر به سراغ دوستان و افراد دیگر نمی‌رود که پاسخ نادرست و نامناسب دریافت کند.

- بسیاری از چیزها و خطرها را نوجوان باید به‌طور مستقیم بشناسد؛ مثلاً آشنایی با خطر تماس با مار گزنده یا خطر افتادن از پرتگاه؛ بنابراین، نوجوانان در زمینه رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی باید به‌طور مستقیم آموزش ببینند.

- البته بسیاری از نمونه‌های پژوهش اعتقاد داشتند که: کیفیت و محتوای آموزشی و چگونگی ارائه آن به نوجوانان مهم است و این امر باید با روحیه، مقتضیات سنی و انتظارات آنان هماهنگ باشد. به عبارتی، چنانچه آموزش از آن‌جا شروع شود که نوجوان می‌خواهد و به جایی ختم شود که فراهندگان می‌خواهند، تأثیر زیادی خواهد داشت. هم‌چنین، بهتر است آموزش به نوجوانان در این زمینه به صورت شرح جزئیات و اطلاعات اضافی و غیرضروری نظیر شناسایی راه‌های استفاده از مواد یا معرفی جزئیات نباشد. در نهایت، چنانچه آموزش به نوجوانان در زمینه پیش‌گیری از رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی به روش معقولانه و باتدبیر و برنامه‌ریزی باشد و حس کنجکاوی آنان به‌طور صحیح مدیریت شود، راهکاری مفید و مؤثر است.

بحث و نتیجه‌گیری

جوامعی که دوران عبور از شرایط سنتی به دوران مدرن را طی می‌کنند،

با آسیب‌های اجتماعی فراوانی دست به‌گریبان‌اند و این آسیب‌ها یکی از مهم‌ترین مشکلات جامعه امروز است (خاکپور، ۱۳۸۳). چنان‌که در بندهای ۳۲ و ۳۷ مأموریت‌های دفتر سلامت و پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی وزارت آموزش و پرورش نیز بر تلاش برای شناسایی انواع آسیب‌های اجتماعی در مدارس، اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی این کنترل، پیش‌گیری یا مقابله با آن‌ها اشاره و تأکید شده است. بنابراین، آموزش و پرورش مناسب‌ترین بستر برای برنامه‌های پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی و واکسیناسیون فرهنگی جامعه تلقی می‌شود (فریدی، ۱۳۸۶).

علل مستعدکننده بروز آسیب‌مشاوران مدارس: ویژگی‌های خانوادگی (نظیر خانواده‌های از هم گسیخته، شکاف فکری و عاطفی بین والدین و فرزندان، ضعف اخلاقی و بی‌بندوباری در خانواده‌ها)، داشتن دوستان ناباب و فشار گروه هم‌سالان و نداشتن آگاهی در زمینه مهارت‌های زندگی، از جمله مهم‌ترین این عوامل ذکر شده است. شایان ذکر است که در رابطه با تأثیر قوی ویژگی‌های خانواده بر بروز رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی در نوجوانان در بسیاری از تحقیقات مشخص گردیده است که دانش‌آموزانی که والدینشان مبادرت به انجام رفتارهایی نظیر استعمال دخانیات، مصرف الکل و مواد مخدر می‌کنند، به میزان بیش‌تری درگیر رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی می‌شوند (جلیک، کلینوسکی، ۲۰۰۴: ۱۱۵). همچنین، مواردی از جمله پایین‌بودن وضعیت اقتصادی - اجتماعی، عدم انسجام و ضعف ارتباطات خانوادگی و اعتیاد والدین یا مورد خشونت قرار گرفتن نوجوان از سوی اعضای خانواده (توهین و بی‌احترامی در جمع نسبت به وی، مورد

ناسزا و فحاشی قرارگرفتن، تهدید و ترساندن نوجوان از طریق گفتار و رفتار خشونت‌آمیز و پرتاب اشیاء به طرف وی)، با بروز آسیب‌های اجتماعی در نوجوانان ارتباط معنادار و قوی دارند (رابرتز و کلین، ۲۰۰۳: ۱۵۷)، همچنین روابط ضعیف و نامناسب خانوادگی (خاکپور، ۱۳۸۳) و سردی و نداشتن روابط صمیمی و عاطفی با والدین، کمبود مراقبت، اعتماد و حمایت از سوی والدین، کمبود احساس تعلق و وابستگی به والدین و عدم هم‌بستگی خانوادگی با افزایش بروز رفتارهای پرخطر در نوجوانان همراه است (نیازی، ۱۳۸۲)، (کوثری، ۱۳۷۳)، (سعیدی، ۱۳۷۲)، (صدیق سروستانی، ۱۳۸۲: ۱۰۱). در حالی‌که وجود روابط گرم عاطفی و دریافت حمایت از افراد بزرگسال، ارتباط نزدیک بین والدین و فرزندان، وجود ارتباطات ارشادی از سوی والدین با کاهش بروز رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی در نوجوانان ارتباط دارد (اوتز و دیگران، ۲۰۰۴: ۲۱)، (بروک و دیگران، ۱۹۹۹: ۴۵۷)، (بلوم و دیگران، ۲۰۰۳: ۴۵۶)، (بریر و دیگران، ۲۰۰۰: ۳۲۷).

در زمینه تأثیر فشار گروه هم‌سالان بر بروز رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی در نوجوانان، می‌توان اظهار داشت که دلیل این‌که نوجوانانی که در یک گروه قرار می‌گیرند به انجام رفتارهای مشابه تمایل دارند و با عنایت به این‌که نوجوانان زمان زیادی را در مدرسه و خارج از مدرسه با دوستان خود می‌گذرانند (خصوصاً در زمان تعطیلات) باید بیش از پیش به این عامل مستعدکننده توجه داشت. در همین زمینه تحقیقات بسیاری، تأثیر منفی گروه هم‌سالان را بر بروز این رفتارها در نوجوانان مشخص کرده‌اند؛ رفتارهایی چون عضویت در یک گروه خلاف و خرابکار، گذراندن بیش‌تر وقت خود با گروه هم‌سالان و احساس نزدیکی

با آنان بیش از افراد خانواده، داشتن دوستان ناباب (صدیق سروستانی، ۱۳۸۲: ۱۰۱) و (ویلیامز و اسمیت، ۱۹۹۳: ۲۸۹)، (سرگلزائی، ۱۳۸۰) و (باقریان، ۱۳۸۰) و (حسن‌زاده، ۱۳۸۰) و (صمدی‌راد، ۱۳۸۱).

از سوی دیگر، ناآگاهی در زمینه مهارت‌های زندگی و مقابله با فشارها و شکست‌ها به روش صحیح، استفاده از استراتژی‌های تطابقی نامطلوب متعاقب وقوع حوادث منفی و ناگوار زندگی با افزایش بروز رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی در نوجوانان همراه است (سرگلزائی، ۱۳۸۰) و (اورباخ، ۲۰۰۷: ۲۸۵۰) و (برزگری، ۱۳۸۰)؛ درحالی‌که آموزش مهارت‌های زندگی با کاهش رفتارهای تکانشی و افزایش سلامت روانی و عزت‌نفس نوجوانان می‌تواند سبب کاهش بروز رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی در آنان شود (پورشریفی، بهرامی، طایفه تیریزی، ۱۳۸۵: ۴۰) و (حقیقی و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۱) و (فلای و دیگران، ۲۰۰۴: ۳۷۷).

راهکارهای پیش‌گیری و کنترل آسیب‌ها از دید مشاوران مدارس: ایجاد و برقراری ارتباطات مناسب و صمیمانه‌تر بین والدین و فرزندان (نظیر درک بیش‌تر فرزندان، احترام به شخصیت و عقاید آنان و دادن آزادی منطقی به آن‌ها و...)، آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به والدین و نوجوانان، توجه به تربیت دینی و افزایش ایمان و دین‌باوری در نوجوانان از جمله مهم‌ترین این راهکارها ذکر شدند. در همین رابطه، در بسیاری از تحقیقات انجام شده مشخص گردیده است که عملکرد مطلوب والدین آثار حفاظتی کوتاه‌مدت و بلندمدت را بر پیش‌گیری از رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی در نوجوانان دربردارد و وجود ارتباط باز و با کیفیت بالا بین نوجوان و والدین و

**خانواده‌هایی که در شیوه‌های
فرزندپروری خود از اصل همکاری و
دموکراسی در روابط پیروی
می‌کنند، توانایی بیش‌تری برای انطباق
با تغییرات دارند و شرایط مناسبی
را برای رشد فرزندان
فراهم می‌کنند**

فرزندان است (پرادو و دیگران، ۲۰۰۷: ۹۱۴).

با توجه به عواقب زیان‌بار آسیب‌های اجتماعی در نوجوانان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی، تمام کوشش دست‌اندرکاران حوزه بهداشت و درمان باید بر کاهش بروز این آسیب‌ها معطوف شود. طبق نظر خبرگان و کارشناسان، این مهم از طریق ایجاد و گسترش مفهومی به نام «سرمایه‌های تکاملی»^۲ جهت ایجاد سپر حفاظتی در نوجوانان امکان‌پذیر است. سرمایه‌های تکاملی کیفیات و تجارب مثبتی هستند که به نوجوان کمک می‌کنند که رشد روانی-اجتماعی سالمی داشته باشد و به بزرگسالانی مراقب و مسئول تبدیل شود. این سرمایه‌ها که می‌توانند به صورت درونی و بیرونی باشند، نفوذی قوی بر رفتار فرد دارند؛ به‌طوری که از بروز مشکلات رفتاری و آسیب‌های اجتماعی جلوگیری می‌کنند و سبب ارتقای رفتارها و نگرش‌های مثبت در فرد می‌شوند. سرمایه‌های تکاملی می‌توانند به عنوان ویژگی‌های مثبت فرد و محیط پیرامون وی باشند؛ نظیر وجود حمایت خانوادگی و ارتباطات مثبت افراد خانواده با یکدیگر، توجه والدین به مسائل و مشکلات نوجوان از طریق ارتباط اولیا و مربیان، واضح و روشن بودن قانون، مرزها و قیودات در خانواده، وجود

زمینه نقش حیاتی خود به عنوان راهنما و ناصح برای نوجوانان خود اطلاع‌رسانی و آموزش داشته باشند (بریر و دیگران: ۲۰۰۰: ۱۲۷).

هم‌چنین، نتایج مطالعات نشان می‌دهد که داشتن باورهای دینی قوی و پررنگ بودن نقش مذهب در زندگی فردی، با کاهش بروز رفتارهایی نظیر کشیدن سیگار، مصرف الکل و ماری‌جوانا، رفتارهای جنسی پرخطر و داشتن افکار خودکشی یا اقدام به آن همراه بوده است. این امر نشانگر اهمیت مفاهیم دینی و معنوی جهت کمک به سلامت روانی و اجتماعی فرد و لزوم توجه به وسعت بخشیدن به ابعاد معنوی نوجوانان جهت پیش‌گیری از رفتارهای پرخطر است.

شایان ذکر است که از راهکارهای مهم دیگری که توسط مشاوران مدارس عنوان شد، می‌توان به آموزش به نوجوانان و والدین آنان اشاره کرد. طی پژوهش‌های متعدد مشخص گردیده است که برنامه‌های آموزشی که در حوزه‌های عاطفی-اجتماعی (نظیر آموزش معیارهای انتخاب دوست، نحوه مناسب گذران اوقات فراغت و...) با توجه به مسائل فرهنگی دانش‌آموزان و متناسب با سطح رشد و تکامل آنان بوده و در چندین دوره تحصیلی ارائه و به نوعی تکرار می‌شوند، می‌توانند در کاهش رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی در نوجوانان مؤثر باشند (السنینی و دیگران، ۲۰۰۵: ۲۶۷). هم‌چنین، آموزش‌ها و برنامه‌های خانواده‌محوری که سبب ارتقای پویایی ارتباط بین والدین و فرزندان و افزایش عملکرد خانواده می‌گردد، بیش از برنامه‌های رفتارمحور سبب کاهش بروز رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی در نوجوانان می‌شود. این مداخلات شامل آموزش نحوه درگیری صحیح والدین با مسائل و مشکلات نوجوان و آموزش تکنیک‌های ارتباطی مؤثر بین والدین و

بررسی و کنترل فعالیت‌های نوجوانان در پیش‌گیری از این آسیب‌ها مؤثر است. به عبارتی، «روش مقتدرانه تربیتی»^۳ توسط والدین عموماً دارای نتایج بهتری برای نوجوان خواهد بود (بلوم و دیگران، ۲۰۰۳: ۴۵۶) و (دیور، ۲۰۰۵: ۴۶۰). رفتار والدی مؤثر نظیر کنترل و نظارت بر فعالیت‌های نوجوان، صحبت کردن راجع به رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن و برقراری ارتباط خوب و مناسب با نوجوان نظیر ملایمت و گرمی والدین به دلیل افزایش اعتماد به نفس در نوجوانان سبب پیش‌گیری از رفتارهایی نظیر مصرف الکل و مواد مخدر نظیر ماری‌جوانا و استعمال دخانیات می‌شود و اثر حفاظتی دارد (کلوند و دیگران، ۲۰۰۵: ۹۰۰)، (پارکر و بنون، ۲۰۰۴: ۵۱۹).

تأثیر شیوه‌های فرزندپروری

با توجه به سه شیوه فرزندپروری شامل شیوه سهل‌گیرانه، مستبدانه و اقتدار منطقی، می‌توان اظهار داشت که کارکرد خانواده معمولاً در شیوه اقتدار منطقی نیرومندتر است. به عبارتی، خانواده‌هایی که در شیوه‌های فرزندپروری خود از اصل همکاری و دموکراسی در روابط پیروی می‌کنند، توانایی بیش‌تری برای انطباق با تغییرات دارند و شرایط مناسبی را برای رشد فرزندان فراهم می‌کنند، در خانواده با الگوی سالم، اعضای خانواده مورد حمایت یکدیگرند، انتظارات مربوط به نقش‌های افراد روشن و دارای انعطاف است، مقررات خانواده واضح و انعطاف‌پذیرند و بی‌مرز نیستند (صدرالسادات، شمس، امامی‌پور، ۱۳۸۴: ۴۳). از سوی دیگر، ارتباط با یک بزرگسال قابل اعتماد، بدون توجه به این که آیا والد نوجوان است یا خیر، تأثیری مثبت بر زندگی، تکامل روحی و رفتارهای نوجوان دارد، بنابراین، لازم است مراقبان بهداشت به والدین (هم مادر و هم پدر) در

الگوهای مثبت بزرگسال در خانواده و مدرسه برای نوجوان، مدت زمان حضور در خانه و بودن با والدین، میزان نظارت رسمی (از سوی نیروهای انتظامی) و نظارت‌های غیررسمی (سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌ها، همسایگان) در سطح جامعه، عملکرد مثبت رسانه‌ها، بسیج‌های اطلاع‌رسانی و وجود سیستم‌های قوی مشاوره، کاهش بیکاری، وجود منابع کافی برای برنامه‌ریزی اوقات فراغت نوجوانان و افزایش روی آوردن آنان به فعالیت‌های ورزشی و هنری (رلکپاریتان و اسکالز، ۲۰۰۷).

در نهایت این‌که برنامه‌های پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی و ارتقای سلامت روانی - اجتماعی نوجوانان باید در مراحل اولیه شروع شود و برنامه‌های ادامه‌دار و پیگیر، همه‌جانبه و جامع باشد و به تأثیر خانواده و هم‌سالان بر رفتارهای نوجوان توجه و تأکید داشته باشد (انستیتو سرچ، ۲۰۰۸).

پی‌نوشت

۱. **روش دلفی:** این روش مبتنی بر نظرسنجی، اخذ پیشنهادهای و پیش‌بینی آینده جهت کمک به تصمیم‌گیری‌ها و به‌دست آوردن توافق عام از متخصصان است. در روش دلفی با جمع‌آوری نظریات کارشناسان و متخصصان و با استفاده از پرسش‌نامه و ارسال چند مرتبه‌ای آن، همگرایی یا واگرایی نظریات و عقاید آنان در خصوص موضوعات مختلف مشخص می‌گردد. در این روش، پرسش‌نامه وسیله‌ای برای برقراری ارتباط بین صاحب‌نظران و تأثیر گذاشتن آن‌ها بر یکدیگر است (سایت مرجع دانش).

2. Authoritative Parenting
3. Developmental Assets

منابع

۱. باقریان، اکبر (تیر ۱۳۸۰): نقش گروه دوستان، همسالان و محل سکونت در گرایش به مواد مخدر. خلاصه مقاله سمینار علل فرهنگی و اجتماعی گرایش جوانان به مواد مخدر. قابل دسترس در

سایت: www.spdb.ir.
۲. برزگری، علی محمد؛ (تیر ۱۳۸۰). **بررسی نقش گروه همسالان، دوستان، مدرسه و محل سکونت در گرایش نوجوانان و جوانان به مواد مخدر**، سمینار بررسی علل فرهنگی و اجتماعی گرایش جوانان به مواد مخدر. قابل دسترس در سایت: www.spdb.ir.

۳. پرویزی، سرور، احمدی، فضل‌ا...؛ **عوامل مؤثر بر سلامت از نگاه نوجوانان**، فصلنامه پایش، سال ۲، شماره ۴، ۱۳۸۲.
۴. پورشریفی، حمید؛ بهرامی احسان هادی و طایفه تبریزی، رقیه. **بررسی اثربخشی کوتاه‌مدت مهارت‌های زندگی روان‌شناسی معاصر**. دوره ۱. شماره ۱، ۱۳۸۵.

۵. حسن‌زاده، قربان (تیر ۱۳۸۰). **نقش همسالان و دوستان در پیش‌گیری از سوء مصرف مواد مخدر**، سمینار بررسی علل فرهنگی و اجتماعی گرایش جوانان به مواد مخدر، قابل دسترس در سایت: www.spdb.ir.

۶. حقیقی، جمال، محمد موسوی و دیگران؛ **بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و عزت‌نفس دانش‌آموزان دختر سال اول دوره متوسطه شهر ایلام**. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دوره ۱۳، شماره ۱، ۱۳۸۵.

۷. خاکپور، مسعود (اردیبهشت ۱۳۸۳)؛ **نقش خانواده در فرار دختران از منزل**، نخستین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، قابل دسترس در سایت: www.spdb.ir.

۸. رحمتی، محمد نبی، باپیری، امید علی؛ **شناسایی عمده‌ترین مشکلات تربیتی دانش‌آموزان دوره‌های متوسطه استان ایلام از دیدگاه دانش‌آموزان، مشاوران و مدیران**، سال تحصیلی ۱۳۷۹-۱۳۷۸. شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان ایلام.

۹. ستاد مبارزه با مواد مخدر: **فاضل، آشتیانی الهام (۱۵ مهر ۱۳۸۷)**. مهندسی فرهنگی: **بررسی انحرافات و آسیب‌های اجتماعی: چشم‌انداز آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران**. قابل دسترس در سایت: www.dchq.ir.

۱۰. سرگلزائی، محمدرضا (تیر ۱۳۸۰). **انگیزه‌های شروع مصرف مواد مخدر**، سمینار بررسی علل فرهنگی و اجتماعی گرایش جوانان به مواد مخدر، قابل دسترس در سایت: www.spdb.ir.

۱۱. سعیدی، محمد (۱۳۷۲). **بررسی**

علل فرار نوجوانان از خانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی علامه طباطبائی، قابل دسترس در سایت: www.spdb.ir.
۱۲. صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۲). **بررسی عوامل خطر ساز در آلودگی نوجوانان و جوانان ایرانی به سوء مصرف مواد**. دوره ۱۱، شماره ۲، ۱۳۸۲.

۱۳. صدرالسادات، سید جلال؛ شمس‌اسفندآبادی، حسن و امامی‌پور، سوزان. **مقایسه شیوه‌های فرزندپروری و کارکرد خانواده در خانواده‌های بدسربست، دارای اختلالات رفتاری و عادی**، مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد ۷ (۲)، ۱۳۸۴.

۱۴. صمدی‌راد، انور (خرداد ۱۳۸۱). **بررسی عوامل اجتماعی و خانوادگی مؤثر بر فرار دختران از خانه**. اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران. قابل دسترس در سایت: www.spdb.ir.

۱۵. فریدی (اول اردیبهشت ۱۳۸۶). **زنگ خطر برای دانش‌آموزان به صدا درآمد**. روزنامه ابتکار، شماره ۸۸۹، قابل دسترس در سایت: www.spdb.ir.

۱۶. کاربرد روش دلفی. سایت مرجع دانش. قابل دسترس در سایت: www.civilica.com.

۱۷. کوثری، محمدرضا (۱۳۷۳). **بررسی علل رابطه با جنس مخالف در دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی منطقه ۱۸ آموزش و پرورش شهر تهران و ارائه راه‌حل‌های مسئله (سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی علامه طباطبائی. قابل دسترس در سایت: www.spdb.ir.

۱۸. گلزاری، محمود (۸ تیر، ۱۳۸۷). **حل مسئله غریزه جنسی از سن بلوغ تا ازدواج**. قابل دسترس در سایت: www.aftabnews.ir.

۱۹. گوهرمنش، آزاده (۲۷ فروردین ۱۳۸۷). **کجروی، آسیب اجتماعی، نه مشکل اخلاقی**. قابل دسترس در سایت: www.tebyan.net.

۲۰. نیازی، یعقوب (۱۳۸۲). **بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های فردی و الگوهای تعاملی خانواده دختران فراری و غیرفراری**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبائی، قابل دسترس در سایت: www.spdb.ir.